



چکیده

مقاله حاضر به بررسی ساختاری و محتوایی اشعار سرور اعظم باکوچی معروف به سپیده کاشانی (۱۳۱۵-۱۳۷۱) می‌پردازد. سپیده از شاعرانی است که افزون بر اشعار اعتراض‌آمیز پیش از انقلاب خویش در دوران دفاع مقدس هم در برابر تهاجم بیگانگان خروشید. نگارنده می‌کوشد با بررسی توصیفی تحلیلی اشعار شاعر با پاسخ به این سؤال که شاعر برای انتقال احساسات درونی آمیخته به تجارب عینی خویش چه زبانی را به کار گرفته و به کدام یک از مضامین، قالب‌ها و تصاویر شعری بیشتر توجه کرده، استنتاج کند سپیده کاشانی که شعر را برای تبیین پایداری مردم، انعکاس رشادت و شهادت رزمندگان، تقویت روحیه شهادت‌طلبی و ایجاد انگیزه بیشتر برای دفاع از میهن سروده، افزون بر ترکیب‌آفرینی‌های متناسب با محتوا و به‌کارگیری واژه‌ها و عباراتی که به فضاسازی شعر وی کمک می‌کند، بر طبق اقتضانات ادب پایداری و مخاطبان خویش که عموم ایرانیان هستند، با زبانی روان و به دور از پیچیدگی و غرابت در قالب‌های مختلف شعری کلاسیک و معاصر طبع‌آزمایی کرده و برای افزایش لطافت و زیبایی و در عین حال اثرگذاری بیشتر شعر خویش، تصاویر ادبی مبتنی بر واقعیت و به دور از تصنع و برگرفته از عناصر ملموس طبیعت و سازگار با جنسیت خویش را به کار گرفته است. سپیده از بین شگردهای ادبی، بیشتر به فنون بیان به‌ویژه استعاره‌های مکنیه از نوع شخصیت‌بخشی و تشبیه بلیغ اضافی توجه کرده که این عناصر در ضمن بازتاب خلاقیت و هنر شعری وی به درک خواننده و فضاسازی شعر وی نیز کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: شعر دفاع مقدس، سپیده کاشانی، مضامین شعری، ساختار.

* استادیار دانشگاه کاشان / taheri@kashanu.ac.ir

تحلیل محتوایی
و ساختاری اشعار
سپیده کاشانی



•
•
•
•
•
•
•

۱. مقدمه

از آنجا که ادبیات بازتاب ادبی احساسات و اندیشه‌های اهل ادب است و احساس و اندیشه انسان از محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، تأثیر بسیاری می‌پذیرد؛ پس جنگ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی در افکار و عواطف آدمی نقش بسیاری دارد، تا جایی که نوع ادبی خاصی به نام «ادب مقاومت» یا پایداری را در ادبیات جهان آفریده است. ادبیات مقاومت به مجموعه آثاری گفته می‌شود که با تکیه بر هویت و ملیت یک قوم و ملت آفریده می‌شوند، انسان را به دفاع و مبارزه در برابر ظلم و استبداد و بندگی فرامی‌خوانند و صحنه‌های جنگ و نبرد و تبعات آن را توصیف می‌کنند. پیشینه این نوع ادبی در ادب فارسی به نهضت شعوبیه می‌رسد و به همین ترتیب در تمام ادوار ادب پارسی هرگاه جنگ و نبردی درگرفته تحت تأثیر آن ادب پایداری جان تازه‌ای گرفته است. با وقوع جنگ تحمیلی و حماسه هشت سال دفاع مقدس، این نوع ادبی در ادب پارسی رونقی دوباره گرفت.

سرور اعظم باکوچی مشهور به سپیده کاشانی، از جمله شاعرانی است که در استحکام و باروری ادب پایداری نقش بسیاری داشت. وی که قبل از انقلاب نیز با سرودن اشعار بیدارگرانه در دفاع از ارزش‌های انقلاب از شعر خود همانند سلاحی کارساز استفاده کرد، با شروع جنگ در کنار دیگر هم‌زمان خود با سرودن اشعار حماسی پنجه در پنجه استکبار انداخت و حتی با حضور مستقیم در جبهه و لمس صحنه‌های نبرد، اشعاری دلنشین آفرید تا جایی که تعدادی از آن‌ها با عنوان سرودهای رزمی و انقلابی در حافظه ملت ایران جاودانه شدند. از آنجا که شعر به جای اینکه محصول اراده شاعر باشد، یک رویداد روحی عاطفی است که در ضمیر او اتفاق می‌افتد و شاعر با قوه تخیل خود عناصر گوناگون و گاه متفاوت درونی خود را با پدیده‌های اجتماعی اطراف خویش در یک کلیت واحد به نام اثر ادبی منعکس می‌کند، سپیده نیز بر مبنای احساسات و عواطف میهن‌دوستانه، دشمن‌ستیز و زنانه خود را با به‌کارگیری زبان، مضامین، قالب‌های شعری و تصویرسازی‌های خویش، اشعاری متفاوت و مؤثر آفرید که در ادب پایداری پارسی از جایگاه خاصی برخوردارند. نگارنده در این مقاله به روش تحلیلی توصیفی مبتنی بر اشعار شاعر و پاسخ دادن به این پرسش بنیادی که «شعر سپیده از نظر ساختاری و محتوایی چه ویژگی‌هایی دارد»، به هدف آشکار کردن جایگاه سپیده در شعر فارسی و ویژگی‌ها و برجستگی‌های شعری وی می‌کوشد خلأیت‌های شعری، زبانی و تخیل پویای شاعر را تبیین نماید تا مشخص کند افزون بر قدرت شاعری و خلوص و پاکدلی

سپیده، به‌کارگیری مضامین متنوع و دلنشین متناسب با ادب پایداری و قالب‌های متفاوت شعری و تصویرسازی‌های واقع‌گرایانه؛ او از عوامل برجستگی شعر وی شمرده می‌شوند که در کنار زبان روان وی اشعار او را ماندگار کرده‌اند.

۱-۱. پیشینه تحقیق

درباره زندگی و اشعار سپیده کاشانی آثاری در قالب کتاب و مقاله در مجلات علمی و غیرعلمی و روزنامه‌ها چاپ شده است؛ از جمله کتاب *بانوی پروانه‌ها* (غفاری، ۱۳۸۴)، مقاله‌ای با عنوان «اختر برج ادب» (سیدنژاد، ۱۳۸۳) درباره زندگی شاعر؛ همچنین کتاب بررسی شعر *بانوان در ادبیات معاصر* (حسین‌زاده، ۱۳۸۷) و مقاله «تحلیل محتوایی و سبکی شعر سپیده کاشانی» (صادق‌زاده، ۱۳۹۰) درباره اشعار شاعر به چاپ رسیده‌اند؛ اما در بیشتر این آثار حتی مقاله محمود صادق‌زاده آمده: شعر سپیده شعر زمان و شعر شعور، شهادت، حماسه و عرفان است؛ از این رو از لحاظ بیانی و ادبی و صور خیال چندان قابل ملاحظه نیست. بنابراین نگارنده می‌کوشد با بررسی تمام اشعار شاعر در قالب‌های مختلف سنتی و نو وی تبیین کند زبان روان، ترکیب‌های زیبا، ذوق سرشار و تخیل پویای شاعر سبب شده است، وی پیام‌های ارزشی خود را در لباسی آراسته به زینت ابزارهای فن بیان، به‌ویژه استعاره و تشبیه، به خواننده عرضه کند تا بیشتر بر روح و جان آن‌ها اثر کند.

۲-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به جایگاه سپیده کاشانی در شعر مقاومت و دفاع مقدس و اهمیت محتوا و ساختار در یک اثر هنری به‌ویژه شعر از نظر اثرگذاری آن بر مخاطب، توجه دقیق و عمیق به مضامین و ویژگی‌های ساختاری شعر شاعر و ظرافت‌های هنری وی که تحت‌تأثیر توجه خاص وی به روانی زبان، ترکیب‌سازی و به‌کارگیری فنون بیان به وجود آمده است، در کنار تبیین دقیق مضامین شعری او در تمام قالب‌های اشعار وی^۱ برای شناخت اندیشه و الا، احساسات قوی، تخیل پویا و خلاق شاعر که در لطافت و دلنشینی اشعار وی بسیار مؤثر است، ضرورت دارد.

۲. مبانی تحقیق

۱-۲. تحلیل محتوایی

تحلیل محتوا از روش‌های اسنادی است که به بررسی نظام‌مند، عینی، کمی و تعمیم‌پذیر پیام‌های ارتباطی می‌پردازد و بدون ورود به مقوله‌های تأویل و نشانه‌شناسی به بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن می‌پردازد و روشی مناسب برای پاسخ دادن به سؤال‌هایی

درباره محتوای یک متن است. هرچند در رویکردهای اولیه، ادعا می‌شد که تحلیل محتوا می‌تواند علاوه بر محتوای پیام به ویژگی‌های مؤلف و تأثیر بر مخاطب پردازد، امروزه دو کارکرد اخیر را تنها در روش‌های تلفیقی میدانی و اسنادی امکان‌پذیر می‌دانند. معمولاً زمانی که از تحلیل محتوا به‌عنوان یک روش نام برده می‌شود، تحلیل محتوای کمی مورد نظر است. با این حال، امروزه نیز در روش‌های پژوهش اسنادی از تحلیل محتوای کیفی که به‌گونه‌ای همان تحلیل محتوای مضمونی یا تماتیک است، نیز سخن گفته می‌شود. در تحلیل محتوای کیفی، تلاش می‌شود مقولات محتوایی موجود در پیام‌های ارتباطی شناسایی و استخراج شود (نک: نئوندروف، ۱۳۹۵: ۸). بنابراین روش تحلیل محتوا برای استنباط علمی به شیوه روشمند و دقیق مشخصات خاص پیام را ارائه، اهداف فرستنده پیام را مشخص و جنبه‌هایی از فرهنگ و تغییرات فرهنگی را بررسی می‌کند. عینی و عملی بودن و نظم از ویژگی‌های روش تحلیل محتواست (طالقانی، ۱۳۸۱: ۹۵ و ۹۶) در تحلیل محتوا «کلمه»، «موضوع»، «شخصیت‌ها یا اسامی»، «پاراگراف‌ها یا بندها» و «مقوله‌ها» واحدهایی از متن هستند که مورد بررسی قرار می‌گیرند (همان: ۹۷).

۲-۲. تحلیل ساختاری

پیشینه تحلیل ساختاری متون به مکتب فرمالیسم روسی برمی‌گردد و این شیوه مطالعه و بررسی در متون علمی و فلسفی که خود ساختارگرا بوده‌اند یا به ساختارگرایی پرداخته‌اند، امکان‌پذیر است. تحلیل ساختاری همان تحلیل نوشتار یا گفتار است که به تحلیل واژه‌ها، معانی و حالت‌های متفاوتشان بر مبنای بخش‌های گوناگون کلامی، میزان تکرار آن‌ها، کوتاهی و بلندی جملات، الفاظ، اصطلاحات، حالات نوشتار و ارتباط واژه‌ها و عبارات می‌پردازد (عبادیان، ۱۳۷۲: ۱۰۲). اگر هر اثر ادبی را متشکل از دو بخش بیرونی یا روساخت و درونی یا ژرف‌ساخت بدانیم، ساختار اثر، نظامی است که همه اجزای یک اثر در آن در سایه تعامل و پیوند با یکدیگر، کلیت هماهنگی را می‌سازند (امامی، ۱۳۸۵: ۲۳۰). تحلیل ساختاری به دنبال جداکردن ژرف‌ساخت‌های درونی متن است (ایگلتن، ۱۳۸۰: ۱۳۲). ویژگی روش تحلیل ساختاری این است که عناصر موجود در متن را به شکل جداگانه و مستقل بررسی نمی‌کند، بلکه همواره می‌کوشد هر پدیده را در کنار پدیده‌های دیگری که جزئی از آن‌ها شمرده می‌شود، بررسی کند (بالایی و کریستف، ۱۳۷۸: ۲۶۷). البته باید یادآوری شود که پدیده‌های مورد مطالعه در روش تحلیل ساختاری، پدیده‌هایی انباشته‌شده که بر یکدیگر تأثیری ندارند

نیستند، بلکه بر پایه این روش هر پدیده را تنها در درون ساختاری که متعلق به آن است، می‌توان به‌درستی شناخت (همان: ۲۶۸).

۳. بحث اصلی

۳-۱. معرفی سپیده کاشانی

بانو سرور اعظم باکوچی که بعدها خود را سپیده کاشانی نامید، در مرداد ۱۳۱۵ش، در کاشان در خانواده‌ای مقید به مبانی اسلامی زاده شد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاه خود به پایان رساند (گنجی، ۱۳۸۷: ۵۷). سپیده اصالتاً گرجستانی بودند به همین دلیل نام خانوادگی ایشان باکوچی بود (مشفق کاشانی، ۱۳۸۶: ش ۲۴۶). به گفته خود وی، پدر و مادرش اولین و بزرگ‌ترین معلمانش بودند، مادر به وی قرآن آموخت و پدر او را با شعر و راز و رمز و مفاهیم آن آشنا کرد (غفاری، ۱۳۸۴: ۱۲۳). در سال ۱۳۲۵ اولین شعر خویش را سرود. وی پس از پایان دبیرستان در منزل به ادامه تحصیل پرداخت و بدین ترتیب تحصیلات دانشگاهی او پایان یافت و در سال ۱۳۳۱ با آقای جواد عباسیان ازدواج کرد و به تهران رفت تا در کنار بزرگ شاعران پایتخت، بیشتر بیاموزد و قافله شعرش را به منزل مقصود برساند (اصلائی، ۱۳۸۵: ۴۴). وی در سال ۱۳۴۷ فعالیتش را در مطبوعات آغاز کرد و از سال ۱۳۵۸ به بعد با صدا و سیما جمهوری اسلامی شروع به همکاری کرد و به عضویت شورای شعر و سرود درآمد. حضور مکرر وی در جبهه او را به «شاعر جنگ» تبدیل کرد (یادمان سپیده، ۱۳۷۱: ۱۵) و بعد از فوت همسرش در سال ۱۳۶۱ به فعالیت‌های فرهنگی هنری خود ادامه داد و مردانه در جبهه شعر انقلاب ظاهر شد تا اینکه در ۲۲ بهمن ۱۳۷۱ جان سپرد و به آرزویش که همانا «عمر جاودان» بود، دست یافت (گنجی، ۱۳۸۸: ۶۰).

۳-۲. آثار سپیده

پروانه‌های شب، نخستین مجموعه اشعار سپیده است که در سال ۱۳۵۲ منتشر شد. اشعار این دفتر وی بیشتر به توصیف فضای تیره و تار عصر ستمشاهی می‌پردازد. دقت در مضامین برخی از اشعار این دفتر افزون بر نشان دادن شدت اختناق آن دوران، انعکاسگر شهامت و زیرکی این شاعر در به تصویر کشیدن فضای تاریک عصر خفقان است (سیدنژاد، ۱۳۸۳: ۱۵۷). پروانه‌های شب به دو بخش تقسیم می‌شود: قسمت نخست آن حاوی ۲۳ غزل است و بخش دیگر آن به اشعار نیمایی شاعر اختصاص دارد. شاعر خود درباره این اثر می‌گوید: «پروانه‌های شب، رنجامه‌ای است از تجربه‌های سال‌ها ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۲ که واژه‌های آن به سبب فضای تاریک آن

زمان به پروانه‌هایی تشبیه شده‌اند که در شب پرواز می‌کنند. شاعر تا آنجا که ممکن بوده با ایما و اشاره و مستقیم و غیرمستقیم بسیاری از گفتنی‌ها را در آن به تصویر کشیده و این جنگ و گریز ادبی سیاسی وی تا آغاز انقلاب اسلامی ادامه داشته است» (غفاری، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

آثار دیگر وی عبارت‌اند از: *گزیده ادبیات معاصر؛ حکایت آنان که بقا را در بلا دیدند* که شامل دو سفرنامه شاعر به جنوب است: *سفرنامه اول، یادنامه وی از سفر به «خرمشهر»* در یکشنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۰ است و *سفرنامه دوم* با عنوان *یادنامه فتح المبین* گزارش سفر وی به جبهه «شوش» و «دشت عباس» در دوازدهم فروردین ۱۳۶۱ است. *مجموعه اشعار سپیده کاشانی* شامل غزل‌ها، مثنوی‌ها، قصیده‌ها، قطعه‌ها، دوبیتی‌ها، رباعی‌ها، چارپاره‌ها، اشعار سپید و نیمایی و سرودهای شاعر و *سخن آشنا* دربردارنده تمام اشعار سپیده است که بعد از فوت شاعر فرزندان وی آن‌ها را گردآوری و به کوشش شورای وزارت فرهنگ منتشر کردند.

۳-۳. شعر سپیده

سپیده با اعتقادات مذهبی خاص خود و احساسات و عواطفی لبریز از عشق به مردم، به‌عنوان شاعری متفاوت پا به عرصه شعر و ادبیات گذاشت. در اشعار او مضامین ناب توحیدی موج می‌زند. صداقت کلام در شعر او هویدا است. شاعر در هریک از اشعارش پیامی دارد که آن را به زبان شاعرانه بیان می‌کند و برای تبیین آن کمتر از رمز و اشاره کمک می‌گیرد و انتقال پیام شعری وی به خواننده از طریق به‌کارگیری علامت‌های خاص نیست، بلکه از طریق واژه‌های معمول زبان است؛ از این‌رو شعر کاشانی تبدیل به سرچشمه اطلاعات تاریخی و احساسات زمان و مکان می‌شود و گیرنده پیام یعنی مخاطب را سیراب می‌کند. شاعر به‌گونه‌ای شعر گفته که خواننده امروزی با همان جذابیت و لطافت، مفاهیم دیروزین را از شعر او درمی‌یابد. شعر سپیده، هنوز تازه و دلنشین به نظر می‌رسد که این نتیجه نفوذ کلام شاعر است؛ برای مثال این شعر سپیده همان‌طور که در زمان شاعر و اوج جنگ لطیف و مؤثر بود، هنوز از تازگی کلام و محتوا برخوردار است:

بی‌قراران عشق‌اند آن جوانان پرشور مژده‌ها دارد از نور، گام هر بی‌قراری
تا فراسوی این بوم، یاد سروی است گلگون مانده زآنان به هر کوی، جاودان یادگاری

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۸۱)^۲

شاعر در کنار روایتگری مباحث تاریخی به موضوعات اخلاقی و دینی هم اشاره دارد. او به زبانی که مخاطب جذب زیبایی‌های آن شود، به تبیین پیام‌های اخلاقی و باورهای دینی

کاشان‌شناسی
شماره ۱۴ (پیاپی ۲۲)
بهار و تابستان ۱۳۹۸



•
•
•
•
•
•
•

می‌پردازد (نک: ساعدی، ۱۳۸۹: ۴):

با پری از محبت، سیر عرش خدا کن
دی گذشته است و فردا، روز قسط و عدالت
آی انسان تو را بس از وفا کوله‌باری
ای فرورفته در خویش بهر گفتن چه داری؟
(همان‌جا)

سپیده کاشانی همواره از پریشانی و بی‌محتوایی شعر و ادبیات شکوه می‌کرد و روزمرگی را بلای خانمان‌سوزی برای هنرمندان می‌دانست و همیشه از ابتذال شعر هراس داشت و انقلاب ادبی را یک ضرورت می‌دانست (غفاری، ۱۳۸۴: ۸۶). سپیده هیچ‌گاه در شاعری خویش به آزادی‌خواهی سطحی دچار نشد؛ به‌گونه‌ای که در شعرش همواره مادران دیروز را می‌ستود و زنان غرب‌زده هم‌عصر خود را به انتقاد می‌گرفت: «آه! ای مریم‌ها، مریم‌ها/ مادران دیروز/ ای نگهبانان پاکی و نور/ که طنین گرم لالایی‌های شما/ از دل گهواره / با دم عشق قهرمانان را می‌رویند...» (کاشانی، ۱۳۵۲: ۱۵۰).

سپیده هیچ‌گاه مادرانی را که امروزه غرب به ما شناسانده است، قبول ندارد و درباره‌ی ایشان می‌گوید: «دستشان جز گل‌های مسموم/ در خیابان‌های عصر فضا/ هیچ نکاشت/ همه گل‌ها بی‌رنگ/ ساقه‌هاشان بی‌روح / ... کودکان در سودای مادر...» (همان: ۱۵۱). بنابراین ضرب‌المثل معروف را تغییر می‌دهد و می‌گوید: دایه‌ها را دل سوزد شاید/ مادران را اما تنها تنها/ دامن (۴۴۲).

شعر سپیده مبتنی بر ساختاری است که خود از نوعی مناسبات درونی برخوردار است؛ یعنی عناصری که در شعر او حضور دارند بر رابطه‌ی تنگاتنگ استوارند و با هم یک ساختار شعری را ایجاد می‌کنند. نقادان ادبی معتقدند که تمام اشعار در یک نکته بنیادین که همان منش ارتباطی متن است، مشترک‌اند؛ یعنی اگر شاعر خود مدعی باشد که صرفاً برای خودش می‌نویسد با انتشار اثرش، متن (شعر) را در جریان ارتباط قرار می‌دهد و متن به دلیل حضور عناصر زنده و پویا که ناشی از محتوا و درون‌مایه اشعار شاعر است سریعاً با مخاطب ارتباط ذهنی برقرار می‌کند؛ این موضوع در شعر کاشانی به‌وضوح دیده می‌شود (نک. ساعدی، ۱۳۸۹: ۴). با مطالعه شعر سپیده روی هم‌رفته می‌توان گفت هدفمندی، رسایی زبان و عدم تکلف لفظ و محتوا از ویژگی‌های اصلی شعر کاشانی است و به گفته خود وی، شعر او، آیینۀ شخصیت سیاسی و یکدست شاعر است که خود، آن را این‌گونه توصیف می‌کند:

مرا آتشی هست در جان که ترسم
به دریاچه باد ریزد پر من

تحلیل محتوایی
و ساختاری اشعار
سپیده کاشانی



•
•
•
•
•
•
•

مرا بی من ای دوست آنگه شناسی که در دست باد است خاکستر من
(۳۶۰)

از این رو شعر وی که شراره آتشی است که «همیشه در دل هاست»، همیشه در دل‌ها خواهد ماند و جان‌ها را مشتعل خواهد کرد.

۴-۳. قالب‌های شعری سپیده

سپیده در اکثر قالب‌های شعری اعم از نو و سنتی طبع آزمایی کرده، اما بیشتر اشعار وی در قالب‌های کلاسیک به‌ویژه غزل و مثنوی سروده شده است:

با دوبیتی با رباعی با قصیده با غزل
دفتری پر شور در این انجمن آورده‌ایم
(همان: ۸۶)

سپیده از بین قالب‌های کهن شعر فارسی، قالب‌های غزل، مثنوی، قصیده، قطعه، دوبیتی، رباعی و چارپاره را انتخاب کرده؛ همچنین او قالب‌های سپید و نیمایی را نیز برای تبیین بعضی مضامین شعری‌اش، به‌ویژه اشعار قبل از انقلاب خود و آن دسته از اشعاری که بیانگر عواطف وی و احساس و تجربیات شخصی او هستند، به کار گرفته است؛ اما از آنجا که «دهه شصت، دهه حضور حماسه و مرثیه در قالب غزل و همچنین توسعه مفهوم و محتوا در این قالب» (کاکایی، ۱۳۷۶: ۴) است، سپیده نیز بیشتر، قالب غزل را برای تبیین مضامین و پیام‌هایش به کار گرفته است. غزل‌های سپیده چنان لطیف و عقیف است که نمی‌توان درباره شعر او بین عشق مجازی و حقیقی تمییز داد.

از آنجا که سپیده عضو شورای شعر و سرود رادیو بود، چهل قطعه از اشعار انقلابی و دربردارنده مضامین دفاع مقدس وی به دلیل برخورداری از تناسب زمانی و انتقال عواطف و محتوا، چنان دلنشین بود که به شکل سرود از صداوسیما پخش می‌شد. معروف‌ترین سرودهای سپیده عبارت‌اند از: «من ایرانی‌ام آرمانم شهادت»، «باغ آشنایی»، «نصر من الله و فتح قریب»، «بهار در خون». از دیگر سرودهای وی می‌توان به بهار نیمه خرداد، هلال احمر، حجاب، رستخیز ستارگان، بسیج، هان کجایید کجایید شهیدان خدا؟، نهضت سوادآموزی، پیام به جوانان، سپاه محمد(ص) می‌آید، گندمکاران، پرچم، قسم به عشق و سلام بر معلم اشاره کرد (نک: کاشانی، ۱۳۸۹: ۴۷۵-۵۰۳).

۵-۳. زبان شعری سپیده

رسایی و شیوایی زبان، یکی از خصوصیات اصلی شعر سپیده است. کاشانی، زبانی ساده، روان

کاشان‌شناسی
شماره ۱۴ (پیاپی ۲۲)
بهار و تابستان ۱۳۹۸



۲۶۴

•
•
•
•
•
•
•

و در عین حال استوار را برای بیان مضامین شعری اش برمی‌گزینند. زبان شاعر در تمام اشعارش برای عموم قابل درک است. سپیده اشارات شاعرانه‌اش را در قالب واژگان واقعی و باورپذیر جامعه به شعر درآورده و بدین سبب شعری دلنشین دارد (ساعدی، ۱۳۸۹: ۴):

گفت آن مهربان پیر، می‌دهندت بسی اجر با صبوری، «سپیده» گر کنی پایداری
اینک این ما و راهی، روشن از نور قرآن اینک این ما و تاریخ با خط زرنگاری

(۲۸۲)

زبان شعری سپیده در عین دلنشینی از هرگونه تکلف و تصنع خالی است. شاعر در بند سخنوری و صنعتگری نیست، ولی موسیقی شعری و لحن سرشار از گرما و عاطفه شاعر، خواننده را با شعر این بانوی اندیشمند پیوند می‌دهد. هرچند به سبب آشنایی کافی با ادبیات کلاسیک صور خیال، صنایع بدیعی و زیبایی‌های شعری را می‌شناخت، کلام خود را چندان مقید به رعایت آن‌ها نکرده و در نتیجه در تمام اشعارش زبانی ساده و روان و بی‌تکلف را برگزیده است (غفاری، ۱۳۸۴: ۸۶). زبان شعری سپیده هم بر معنا دلالت دارد هم بر پیام؛ پیام‌هایی که روایتگر وقایعی است که او با چشم خود دیده و تأثیر آن بر روح شاعر آن قدر زیاد بوده که نتوانسته است به راحتی از کنار آن‌ها عبور کند؛ مثلاً:

باد پیغام آرد هر قدم از هجرتی تلخ می‌رسد هر دم از ره، مرکب بی‌سواری

(۲۸۲)

سپیده در هر شعر پیامی دارد که آن را با زبان شاعرانه بیان می‌کند و برای این کار خیلی کم از زبان رمز و اشاره استفاده می‌کند، بلکه از واژه‌های معمول زبان کمک می‌گیرد؛ اما زبانی مؤثر و نافذ به گونه‌ای که هنوز تازگی کلام و محتوا را در شعر وی می‌توان احساس کرد (نک. ساعدی، ۱۳۸۹: ۴). در سروده‌های سپیده، واژه‌های کوچه‌بازاری که بعضی از اشعار امروز را به ابتدال کشیده، راه نیافته است (غفاری، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

از آنجا که شاعر بنا بر دلایل مختلف یا در اوضاع و احوال متفاوت از واژگان خاصی بهره می‌برد، عوامل فراوان و متنوعی در گزینش واژگان شعر مؤثر است که از جمله آن‌ها می‌توان به شخصیت فردی شاعر و به‌ویژه حالات روحی وی، مخاطبان شعر، سنت و میراث گذشتگان، محیط زندگی شاعر و اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران او اشاره کرد (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۳۲). بنابراین در اشعار سپیده، بسامد بالای واژه‌ها و ترکیب‌هایی مانند شهید، شهادت، خون، رنگ سرخ، آتش، خاکستر، گل، شب، درد و... و ترکیب‌سازی‌های شاعر در فضا‌سازی اشعار

وی و تقویت انتقال محتوای اشعار وی بسیار مؤثر است.

نکته‌ای که دربارهٔ زبان شعری سپیده اهمیت دارد، این است که سپیده، واژگانی مخصوص به خود دارد، ترکیب‌ها و واژگانی که خود آن‌ها را آفریده و به کار برده است؛ از جمله آن‌ها می‌توان به «چکامهٔ تکفیر»، «استخاره شکستن»، «شعاع شهر کهن»، «کباب آتش دل» و... اشاره کرد که خود نشانهٔ خلاقیت و انسجام زبان شاعر است (حسین‌زاده، ۱۳۸۷: ۸۸). ترکیب‌سازی‌های سپیده را می‌توان به دو گونهٔ کلی «ترکیب‌سازی‌های بلاغی» و «ترکیب‌سازی‌های دستوری» تقسیم کرد. منظور از ترکیب‌های دستوری، ترکیب‌های وصفی و اضافی نوین یا ترکیب‌های اشتقاقی یا وندی است که سپیده آفریده است و اضافه‌های تشبیهی و استعاری نیافته در اشعار وی نیز زیرمجموعهٔ ترکیب‌های بلاغی وی قرار می‌گیرند که در ذیل به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. ترکیب‌سازی‌های دستوری

سپیده در اشعار خویش افزون بر واژه‌سازی‌های وندی یا اشتقاقی که در شعر وی بسامد بالایی دارد، ترکیب‌های وصفی و اضافی متعدد و نوینی ساخته است؛ همچنین ترکیب‌های وصفی و اضافی مقلوب نیز موجب ظهور ترکیب‌های نو در شعر سپیده شده است:

ای خوش آن دم که رایت افرازد آن عدالت‌سیرِ صبح‌قیام
(۳۳۷)

با دشمن فتنه‌جو گوی، بر شب‌ستیزان توحید: حاشا که کاری بیفتد، جادوی جادوگر تو
(۲۷۷)

و ماه/ در پرز ابرهای سبکتاب می‌چمید/ و خواب/ در چشم شهر شبزده در خواب رفته بود
(۳۸۹).

بوسه‌بازی گل و مهتاب در گلخانه بود این زمان میعادشان را بوسه‌زاری دیگر است
(۳۴)

این ردای گل‌نشان مبارکت (۳۹۵)؛ و زیستن را/ در پیش چشم جوخهٔ مرگ‌آوران مست/ بس باشکوه رژه رفتند (۴۶۴)؛ پروانه‌های شب/ در زیر داربست بلند ستاره‌ها/ حرفی است بر کتیبهٔ این قصر کاغذین؟ حرفی ز روزهای شتابنده/ حرفی ز لحظه‌های نپاییده/ کز تنگه‌های شبزده می‌آید/ کز برج یادها (۳۵۹)؛ بر اوج بادگیر/ سر کرد آن پرندهٔ غمگین/ آهنگ دردزای جدایی را/ گل‌های سرخ باغ فسردند (۴۱۱) ما را پناه دهید/ ای نورواره‌های سعادت (۴۲۱) و ...

ب. ترکیب‌سازی‌های بلاغی

روی ویرانه‌آشنایی / دیو بیگانگی پای‌کوبان (۴۱۴)؛ ای نقاب زهد به روتان / از پشت این عبث / شولای سبز عافیتی را / هرگز به جست‌وجو منشینید (۴۲۹)؛ و سنج مرگ را در گوش ظالمان به صدا درآورد (۴۶۴)؛ با کوبه‌های خرمنکوب / گندم به خواب رفت (۳۶۹-۳۷۰)؛ دریای واژگونه‌چشمانی / همچون چراغ هادی دریا / بر برج آب‌ها / نگران است (۳۷۳)؛ صیقل مده آینه‌های یاد را / با جیوه حرف (۳۸۳).

همچنین چشمه شب، زنبق سپیده، گلاب سرخ سحر، کجاوه باد (۲۷)، گل شگفت دو چشمت، خون سرمه (۲۸) گلگشت سرب و آتش؛ چنگی قضا (۲۶۷)؛ چکامه تکفیر (۶۰)، روح صوفیانه شب (۶۰)، میلاد محبت، چراغ دیده، گل نام، کلید سبز بخت، قفل سخن، شط شعر، آواز کهن، گل یاد (۸۵) گلستان سخن، کشتی اندیشه، بحر اشک، دریای عشق، پیام لاله‌ها، گل‌های سرخ دوستی (۸۶) و... ترکیب‌هایی از نوع اضافه تشبیهی و استعاری هستند که در شعر سپیده پُرسامد هستند.

۳-۶. صور خیال در شعر سپیده

هر اثر هنری، زبانی دارد که نویسنده با استفاده از فنون ادبی به زیباسازی آن می‌پردازد. «انسان به‌وسیله نحو و کارکردهای خاص زبان ادبی، در جهان شباهت‌ها (تشبیه) و اشارت‌ها (استعاره) و نمادهایی پدید می‌آورد که خاص فرهنگ و اندیشه اوست و حتماً و باید با شباهت‌ها، استعاره‌ها و نمادهای زبان موجودات سیاره‌های دیگر کیهان فرق داشته باشد چراکه لاجرم خود انسان با آن‌ها فرق دارد» (مندنی‌پور، ۱۳۸۴: ۲۳۰).

شعر دفاع مقدس به سه دوره تقریبی جوانه‌های شعر جنگ، دوران تجرد و درونی‌شدن شعر جنگ و شعر جنگ بعد از خاتمه جنگ تقسیم می‌شود، که هر دوره ویژگی‌های خاصی دارد (فولادوند، ۱۳۷۳: ۳۲). شعر دوره اول با آغاز جنگ تحمیلی و شروع رشادت‌ها و غرور آفرینی‌های جوانان ایران اسلامی سر از مطبوعات و جراید و میدان‌های جنگ و تمامی رسانه‌های سمعی و بصری درآورد. از ویژگی‌های این دوره می‌توان به نمود مضامین مختلف مربوط به جنگ در آن اشاره کرد. شاعران دوره اول که مضامین مختلف را در شعر خود منعکس کردند، تصاویر شعری خود را از واقعیت‌ها می‌گیرند و کمتر به کنایه و تصاویر مخیل و سمبولیک توجه دارند. در شعر این دوره، بیشترین توجه شاعران به تشبیه‌های صریح برای

بیان واقعه‌گویی بر مبنای اخبار جنگ است.

استفاده شاعران از واژه‌هایی با بسامد بالا و تصویرسازی با کلماتی مانند گل، خون، شهید و شهادت سبب زیبایی شعر و پررنگ‌تر شدن محتوایی شعر این دوره می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۳: ۶۹). دوره دوم شعر دفاع مقدس همزمان با خروج شعر از جنبه مصداقی و پرداختن به مفاهیم کلی و برتر مشترک روح انسانی است و شاعر برخلاف شاعر دوره اول از تأثیر دردها و شادی‌های جامعه بر دل و جان و احساس و اندیشه خودش برای مردم سخن می‌گوید؛ پس شعر درونی‌تر می‌شود و همین ویژگی، آن را زیباتر و عاطفی‌تر می‌کند (همان‌جا) دوره سوم شعر دفاع مقدس کاملاً از دوره‌های قبلی متمایز است و شعر، آن حال و هوای خاص خود را دارد. در این دوره، طنین مظلومیت و حزن و اندوه سرشار و عمیق همراه با یاد از خودگذشتگی‌ها و حماسه‌آفرینی‌های رزمندگان اسلام، حسرت و دریغ جامانندگان از کاروان شهیدان، تنهایی و غربت، شرم از شهیدان و گرفتاری در مادیات از موضوعات اصلی شعر شاعران است (همان: ۷۰ و ۷۱).

سپیده از بین فنون ادبی از گونه‌های استعاره به‌ویژه استعاره مکنیه از نوع شخصیت‌بخشی بیش از دیگر عناصر صور خیال استفاده کرده است؛ چون استعاره در عین اینکه نسبت به تشبیه، جنبه تخیلی و هنری کلام را بیشتر تقویت می‌کند مثل کنایه و دیگر شگردهای ادبی موجب تکلف و تصنع کلام نمی‌شود و چون به صداقت شاعر در انعکاس حوادث آسیبی نمی‌زند؛ پس برای خواننده نیز باورپذیرتر و دلنشین‌تر نیز خواهد بود و شاید به این دلیل که شخصیت‌بخشی از زودیاب‌ترین و قابل درک‌ترین شیوه‌های استعاره مکنیه است که شفافیت معنا را هم حفظ می‌کند، سپیده از ویژگی‌های انسانی بیش از دیگر شیوه‌ها برای تصویرسازی‌های استعاری خود استفاده کرده است. استعاره‌های مصرحه سپیده که اغلب از بین عناصر طبیعت انتخاب شده‌اند، نیز قابل توجه‌اند؛ از این جمله است:

سینه‌سرخان مهاجر را هزاران داستان لحظه پرواز از زندان تن آورده‌ایم
(۸۶)

با غزالان غزل از دست‌های سرخ عشق عطر آن گل‌های یکتاپیرهن آورده‌ایم
(۸۶)

میر ز لانه‌ات ای مرغ بی‌گناه که باز دوباره غرق به خون راه لانه می‌گیری
(همان: ۳۵)

تن سیاه شب از خون اختران شده سیمین بیا که سر بگذارم به دامن من خسته
(۱۴)

دلم احرام طواف سر کویش می‌بست زد شرر جلوۀ او بر دل و افروخت مرا
(۷۴)

باز هم پنجره دیده، پر از باران است باز نقش تو در این پنجره پیداست هنوز
(۷۲)

گیرد ز دیده، دست فراق گلاب‌ها توفان عقده ره به فغانم نمی‌دهد
(۶۴)

در ابیات بالا سینه‌سرخان مهاجر و گل‌های یکتاپیرهن استعاره از شهیدان و مرغ بی‌گناه استعاره از دل و باران و گلاب نیز استعاره از اشک است و دیگر موارد از نوع استعاره مکینیه هستند.

تشبیه‌های به‌کاررفته در اشعار سپیده که بعد از استعاره نسبت به دیگر عناصر صور خیال در شعر وی بسامد بیشتری دارند، بیشتر از نوع معقول به محسوس‌اند و تشبیه‌های معقول به معقول و محسوس به معقول در شعر وی انگشت‌شمارند؛ بدین معنا که سپیده کوشش کرده با برقراری شباهت بین امور ذهنی و انتزاعی با محسوسات، آن‌ها را عینی و ملموس کند تا برای مخاطب فهمیدنی‌تر و دلنشین‌تر باشد. از انواع تشبیه، تشبیه‌های بلیغ اضافی، بیشترین بسامد را در اشعار وی به خود اختصاص داده و تشبیه‌های بلیغ اسنادی، دومین جایگاه تشبیه را از نظر بسامد در شعر سپیده از آن خود کرده‌اند. همچنین سپیده انواع دیگر تشبیه از جمله تشبیه کامل، مضمّر و تفضیل را نیز با بسامد کمتری نسبت به دو نوع پیشین در اشعار خود به کار برده است که از این بین، تشبیه کامل فراوانی بیشتری دارد. گرایش شاعر به کاربرد گونه‌های تشبیه به‌عنوان ساده‌ترین شگرد تصویرسازی به هدف انعکاس صادقانه اخبار جنگ و به‌تصویرکشیدن رشادت‌ها و شهامت‌های رزمندگان و شهیدان است؛ چون کنایه و دیگر تصاویر سمبلیک به اندازه تشبیه قدرت بازتابش صادقانه واقعیت‌ها را ندارند؛ از این جمله است:

گلگشت سُرَب و آتش بر سینه شهیدان برقی جهیده از یک خُلواره بر ستون است
(۲۹)

تو شاخه گل سرخی ز باغ پُرگل قمصر که خون سبز بهاران به قامت تو دمیده
(همان: ۲۳)

تحلیل محتوایی
و ساختاری اشعار
سپیده کاشانی



- نیلوفر سبز دعا بر ساقه‌های دست‌ها پیچیده و تا آستان دوست، سائل می‌رود
(۶۳)
- چو شب ز کوچۀ رؤیا به باغ شعر من آیی هزار بیت کنم پرپر و به پای تو ریزم
(۸۳)
- بوته خودروی یادت شد مرا تن‌پوش دل در کبود ابر چشمم، چشمه‌ساری دیگر است
(۴۱)
- چنان تابنده‌ای بر جان من چون مه که پنداری ز شاخ ماه، برگ نور بر ویرانه می‌ریزد
(۱۲)
- به گلبرگ رُخت چون شعله‌های شرم افروزی ز باغ اختران از آسمان پروانه می‌ریزد
(همان: ۱۱)

با دقت در نمونه‌های بالا مشخص می‌شود چون سپیده از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی به شاعری پرداخته، پس وی تمام سه دوره شعر دفاع مقدس را درک کرده و در هر سه دوره شعر سروده است؛ از این رو تصاویر شعری وی که در دوره‌های دوم و سوم نسبت به دوره اول افزونی دارند، بیشتر به انواع تشبیه و استعاره محدود می‌شود و آرایه‌های معنوی که موجب تکلف و تصنع شعر می‌شود در کلام او چندان راه نیافته است آن هم به این دلیل که مخاطب شعر سپیده مانند اشعار حماسی کهن فارسی، تمام مردم هستند؛ پس شاعر مانند زبان روان خود، تشبیه‌ها و استعاره‌هایی ساده و زودیاب را به هدف سهولت درک مخاطب از یک سو و دلنشینی او از سوی دیگر و جذب بیشتر خواننده استفاده کرده است. سپیده کاشانی برای تصویرسازی و انتقال بهتر احساسات و اندیشه‌های خویش از طریق صور خیال، عناصر طبیعت را که برای مخاطب، آشنا و شناخته‌شده و در نتیجه قابل درک هستند، به کار گرفته که این موضوع نتیجه لطافت روح شاعر و تا اندازه‌ای تحت تأثیر «زنانگی» و لطافت طبع اوست.

از بین فنون بیان، شگرد مجاز کمترین بسامد را در شعر سپیده به خود اختصاص داده است و مجازهای او نیز بیشتر از نوع علاقه سببیه هستند.

کنایه نیز تا اندازه‌ای در شعر سپیده کاربرد دارد و بیشتر کنایه‌های وی را به ترتیب کنایه از فعل (ایما) و کنایه از موصوف تشکیل می‌دهند و کنایه از نوع صفت کمترین بسامد را در شعر سپیده دارد.

۷-۳. مضامین شعری سپیده کاشانی

تشخیص و ویژگی اصلی شعر سپیده که او و شعرش را در بین همعصرانش ممتاز می‌کند، گرایش وی به «ادبیات انقلاب» است. سپیده کاشانی به همراه چند شاعر دیگر از پایه‌گذاران ساختگرای شعر انقلاب است. وی یکی از نمایندگان نقد تأویلی^۳ است. به‌راستی شاعر انقلاب کسی است که «حقیقت»، دغدغه‌ی زبان او باشد و در زبان به جست‌وجوی ژرفا برآید نه اینکه در اندیشه‌ی ابزارگرایی و زیبایی‌های زودگذر، ایستایی را بر پویایی ترجیح دهد. شعر سپیده حاکی از نوعی نگاه شاعرانه و احیاناً مخصوص به خود اوست و از این‌رو در بنیاد نهانی‌اش، تفکری والا نهفته و در بستر همین تفکر است که نگاه وی به سخن، مفاهیمی قابل تأمل آفریده تا جایی که می‌توان روی هم‌رفته شعر سپیده را «شعر ارزشی» نامید؛ زیرا تمام افکار و ذهنیت وی شهودی و لبریز از افاضات عرفانی است (غفاری، ۱۳۸۴: ۱۷۳-۱۷۴).

از آنجا که سپیده کاشانی، شاعر جامعه و زمانه‌ی خویش است در اشعار خویش درباره‌ی بیشتر موضوعات مطرح در جامعه‌ی روزگار خویش سخن گفته است؛ چنان‌که می‌توان گفت شعر وی رنگ رئالیسم اجتماعی به خود گرفته است. با اینکه درون‌مایه‌های مقاومت، جنگ، شهید و شهادت مضمون غالب اشعار قبل و بعد از انقلاب سپیده را به خود اختصاص داده است، ولی با مطالعه‌ی شعر وی مشخص می‌شود، شاعر نسبت به دیگر موضوعات جامعه‌ی خویش نیز بی‌تفاوت نبوده و درباره‌ی آن‌ها اظهار نظر کرده است؛ از مهم‌ترین مضامین شعری وی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

سخن گفتن از چهره‌های انقلابی و مذهبی و حوادثی که برای آن‌ها اتفاق افتاده از موضوعات رایج شعری سپیده است؛ چنان‌که او درباره‌ی بعضی از این چهره‌ها؛ مثل شهید مدرس (در دو شعر «مدرس» و «شهید مدرس»)، شهید مفتاح، شهید مطهری، شهید بهشتی و شهدای هفتم تیر در غزل «گنبد مینا»، ترور شهدای محراب: صدوقی، دستغیب، مدنی و اشرفی اصفهانی، رثای شهید صدوقی، امام جمعه یزد؛ مرحوم علامه طباطبایی در شعری با عنوان «فخر دیار علم»، شعر سروده است، مجتهد سیده نصرت امین نیز از چهره‌هایی است که سپیده در غزلی با نام «فخر زنان» برای او مرثیه‌سرای کرده؛ او حتی در شعری به نام «عارف شهید» به رثای «عارف‌الحسینی»، رهبر شیعیان پاکستان نیز پرداخته است.

سپیده همچنین درباره‌ی موضوعات مطرح در جامعه و حوادث روزگار خود یا دوران گذشته نیز اشعاری سروده است؛ از این‌رو در مجموعه اشعار وی شعری در مضمون «سلمان

رشدی»، شعری دربارهٔ مظلومیت بوسنی هرزگوین، اشعاری دربارهٔ حوادث شانزده آذر، جمعهٔ سیاه هفده شهریور، پانزده خرداد ۱۳۴۲، کشتار مردم مظلوم فلسطین، حوادث نیمهٔ خرداد، آزادی خرمشهر، مجسمهٔ آزادی، نکوهش جشن‌های ۲۵۰۰ سالهٔ شاهنشاهی، شهدای لبنان، توصیف دیگر کشورها اعم از آمریکا، آفریقا و...، حجاب، شیرزنان ایران، مقایسهٔ زنان قبل از انقلاب و بعد از انقلاب، توصیف بسیجیان، مقام معلم، جایگاه پرستار، قوم یهود، توصیف شهرهای آبادان و خرمشهر، شهادت حجاج بیت‌الله الحرام و بازگشت آزادگان به وطن شعر می‌گوید. سپیده حتی دربارهٔ نهضت سوادآموزی و سازمان هلال احمر که از سازمان‌های رشدیافتهٔ بعد از انقلاب هستند، نیز شعر گفته، او حتی اشعاری دربارهٔ عملیات‌های جنگ سروده است؛ مثل بیت‌المقدس و عملیات طریق‌القدس معروف به «فتح‌الفتوح» شعر گفته و حتی غزلی دربارهٔ رمز «یا زهرا» که رمز عملیات‌های متعددی مثل فتح‌المبین، والفجر ۵، والفجر ۸ و... .

وطن دوستی سپیده سبب شده، افزون بر اشعاری که دربارهٔ حفظ وطن و پایداری برای بقای آن سروده، شعری دربارهٔ «پرچم» جمهوری اسلامی بسراید و در شعر دیگری «کوه البرز» را توصیف کند و به دیرینگی تشیع در بین ساکنان دامنهٔ البرز و مازندران از اوایل اسلام اشاره کند. علاقهٔ سپیده به زادگاهش باعث شده وی به توصیف شهر کاشان پردازد و از جدانشدن از آن شکوه‌سرایی کند و خاطرات کودکی خود را یادآوری کند. سپیده از صنعت «فرش» به‌عنوان صنعت خاص زادگاه خود و لوازم مرتبط با آن و همچنان محیط «کویری»ی زادگاه خویش و ویژگی‌ها و سختی‌های حاصل از آن و «گلاب» و عطر گل‌های سرخ قمصر در اشعاری با عنوان «آواز قالیباف» و «شهر من» سخن می‌گوید.

سپیده در کنار موضوعات مرتبط با جهان بیرونی در اشعاری هم به معنویات پرداخته است؛ مثلاً با تضمین غزل «خیز تا خرقهٔ صوفی به خرابات بریم» حافظ، غزل عارفانهٔ نابی سروده و در بیتی نیز از رابعه عدویه یاد کرده و در شکوه‌گری از دنیا خود را به رابعه تشبیه کرده است: شاید که روح رابعه در من دمیده است کز شعر من گلایه به افلاک می‌رسد

(۵۵)

و در غزلی دیگر با عنوان «چراغانی دل» به توصیف مقامات و احوال عرفانی مانند زهد، توبه و محبت می‌پردازد؛ همچنان‌که در دو غزل «عشق» و «میلاذ محبت»، عشق و محبت را شرح و توضیح می‌دهد.

در کنار برجستگی موضوعات مرتبط با شهید و شهادت و پیروزی انقلاب، حضور خاندان نبوت و امامت (ع) در شعر سپیده جلوه خاصی یافته است. وی در غزلی با نام «خورشید حجاز» به منقبت رسول اکرم (ص) می‌پردازد، وی اشعاری با نام‌های «زهرا»، «یا فاطمه»، «یا زهرا» را به ستایش مقام حضرت فاطمه (س)، اشعاری با نام‌های «رسول ظهر خون»، «یا زینب»، «طلایه‌داران حسینی» و «اسوه پایداری» درباره حضرت زینب (س)؛ اشعار «گل مکتب علی (ع)»، «ماه محراب»، «شب قدر»، «در هجر حضرت علی (ع)»، «مدح حضرت علی (ع)»، «آزادگان محراب» در مدح یا رثای حضرت علی (ع)، اشعار «شهید عشق»، «محرم»، «نینوا» را در رثای امام حسین (ع) و لزوم پیروی از نهضت حسینی (ع) سروده است.

پدر و مادر نیز از دیگر چهره‌هایی هستند که در شعر سپیده نقش برجسته‌ای دارند. او چهار غزل با عناوین «بهانه دل»، «مادر، جاودانه باد نام تو»، «مادر ۱» و «مادر ۲» درباره مادر خویش سروده و در شعری دیگر با عنوان «اسوه پایداری» برای پدر خویش مرثیه‌سرایی کرده است. انتظار ظهور ولی عصر (عج) و شکوه از روزگار نیز از موضوعات پرکاربرد شعر سپیده هستند؛ همچنین توصیه به وفاداری، قدر یکدیگر را دانستن، پایداری در برابر دشمنان، ارزش علم و دانش، انسان تنها، عصیان، تقاضای سعادت از خداوند، سرنوشت، توصیه به امیدواری و... موضوعات دیگری هستند که سپیده کاشانی در اشعار خویش درباره آن‌ها سخن گفته است که در ادامه ابیاتی از مضامین پربسامد شعر سپیده کاشانی نقل می‌شود:

– مناجات و ستایش خداوند

خدایا، ابرچشم چشمه‌ای جوشان نهان دارد که در خود نقش‌ها از پرده رنگین‌کمان دارد
(۴۵)

عشق خدا به جاذبه‌ای پاک می‌رسد این سینه‌ریز نور به افلاک می‌رسد
(۵۴)

– امام خمینی (ره)

بوی پیراهن، حدیث یوسف و درد فراق داستان پیر کنعان بود و بر رهبر گذشت
(۴۲)

بلنداخترم رهبرم از ره آمد بهار است و هنگام گل‌پیدن من
(۱۰۵)

همچنین سپیده اشعار وصیت‌نامه، مطلع صبح، نه رسم همسفری است، سالار خیل عاشقان،

تحلیل محتوایی
و ساختاری اشعار
سپیده کاشانی



•
•
•
•
•
•
•

سالروز هجرت خورشید، جماران، از هجران بگو، جدایی، غمنامه، با کاروان لاله‌ها و... خویش
را درباره ارتحال امام خمینی سروده است.

- پیروزی انقلاب اسلامی

به تو باد تهنیت، ای گل سرخ پرپر من که طلوع فجر سرزد ز کران خاور من
(۱۰۰)

جاودان بتاب ای فجر! وه چه عالم‌آرایی! بازتاب دیروزی، جلوهای ز فردایی
(۱۱۶)

- شهادت

ای رهگذر پرسی از حال ما که چون است از پایداری ما، خصم دغل زبون است
(۲۹)

گل صحرای جنون، خاطره مجنون داشت برگ‌برگ گل آن دشت، نشان خون داشت
(۳۸)

- شهیدان و مقام‌الای آنها

برخیز برخیز و بنگر در باغ، گل‌های غربت بر گونه‌شان شب‌نم اشک، در سوگ تو بی‌شکيب‌اند
(۵۶)

غبار مه به تبرک از آسمان برگیر اگر ز کوی شهیدان غبار می‌خواهی
(۱۲۳)

همچنین غزل «شهیدان قبله عشق» و «گل‌های جنون» سپیده نیز درباره همین موضوع است.

- جانبازان

دستی اگر پایی اگر داده‌ام هدیه به درگاه خدا کرده‌ام
پیشکش ای دوست، جز اینم نبود شاخ گلی داده، صفا کرده‌ام
(۷۹)

- شرح غم عشق

صبح دیدار تو زد شعله و افروخت مرا شب هجران تو در آتش غم سوخت مرا
(۲۴)

اشکم آن‌گونه شد ز سر که مپرس هست این غم، غمی دگر که مپرس
(۷۴)

- زنان معاصر

تو از کدام تیاری، زن زمانه ما که گشت همت و ایثار تو فسانه ما
(۲۵)

تو با سلاح حجابت در سنگر دین شکفتی عطر دل‌انگیز توحید برخاست از سنگرت
(۲۷۶)

- انتظار ظهور

نسیم نور ز اقصای شب وزید بیا شب گلایه به شام دگر کشید، بیا
(۲۷)

شب رفت ای صبح زخمی، کز راه یاری بیاید یاران به خون، چهره شستند تا تک‌سواری بیاید
(۶۵)

چه کردی انتظار، ای انتظار لاله‌گون با من؟ که این سان همسفر شد جای دل، یک لجه خون
(۹۵)

همچنین سپیده غزل‌های گل‌های عاشق، باغ آینه، بیا، هوای حجم غزل، بی‌قرار کیستی،
کوچه‌های آشنایی، هجرنامه، نور مبارک، دیده دریا شو، چنگی قضا و جذبۀ شیرین را نیز
درباره انتظار ظهور ولی عصر(عج) و دعا برای آن سروده است.

- شکوه از روزگار و توصیف فضای غم‌بار آن

فانوس مه شکسته بر امواج آب‌هاست از برکه‌های واهمه، جاری حباب‌هاست
(۳۳)

در تو سپیده رُسته گل شیکوه، دشت دشت آسوده زی که هیچ دلی کامکار نیست
(۳۷)

همچنین نک: ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۱۰۲ و ۱۰۳، ۱۲۰ و ۱۲۱ و ...

- گرایش به عرفان

تا که در وادی عشق است فنا عین بقا خاطر آشفته نسازیم ز توفان بلا
(۸۹)

- یاد دوستان شهید

ای نگاهت سبز، یادت سبز، جایت سبزتر از تو و یاد تو در من یادگاری دیگر است
(۳۵)

تحلیل محتوایی
و ساختاری اشعار
سپیده کاشانی



•
•
•
•
•
•
•

- ستایش محبت

بیا جشنی به پا سازیم میلاد محبت را
به جای غم تو باشی میزبان، ای درد پنهانم
(۸۴)

- منقبت پیامبر اکرم(ص)

خورشید حجاز، یا محمد
محراب نیاز یا محمد
(۱۹۶)

- رثای امیرالمؤمنین

آن کس که در قدمش، شد کعبه نورباران
بنگر ز خون پاکش، محراب لاله‌گون است
(۳۱)

- رثای امام حسین(ع)

محرم آمد از سفر، طلوع سرخ آن نگر شد
از شکوفه‌های خون، درخت عشق پُرثمر
(۶۹)

- منقبت حضرت زینب(ع)

زینب من، رسول ظهر خون!
آه ای بانوی دشت لاله‌گون
(۲۱۱ و ۲۱۲)

- رثای حضرت زهرا(س)

یا فاطمه در بقیع و بیت‌الاحزان
گشتم که بجویمت، نبودت نشان
(۳۱۵)

- مرثیه مجتهد امین

بانگ رحیل، خاک وطن را فراگرفت
فخر زنان، امینۀ ما، درس عاشقی
اسلام شد به ماتم و رنگ عزا گرفت...
از مکتب امین خدا، مصطفی گرفت
(۴۳ و ۴۴)

- کشتار حجاج

دیدی ای صید حرم، صیاد عصیانگر چه کرد
در حریم عاشقان، آن دیو بداختر چه کرد؟
(۴۷)

- ستایش علم

به نام آنکه برآورد گل ز بستر دانش
به آنکه کاشت به دشت سپر، اختر دانش
(۷۶)

- توصیف مقام مادر

بال پرواز منی، مادر من ماه منی
مهر تابنده من روشنی راه منی
(۱۲۲)

- نکوهش سلمان رشدی

ندیده دیده به رسوایی تو، ای «سلمان»
که خود فروختی و روح خویش بر شیطان...
امام گفت که مرگت سزاست ای سلمان
هزار بار بمیری، سزاست ای سلمان
(۱۴۵-۱۴۳)

- غربت بوسنی هرزگوین

شب سیاه مرا بنگر، نگر که «هرزگوینم» من
بگیر دست من ای انسان که بی‌گناه‌ترینم من...
برای کودک خود گفتم، همیشه قصه دیوان را
ولی نبود مرا باور که «صرب» از او بستد جان را
(۱۵۰ و ۱۵۱)

۸۳. سپیده و دیگر شاعران

سپیده کاشانی به بعضی از شاعران بزرگ پیشین و معاصر خود تعلق خاطر خاصی داشته و از آن‌ها تأثیر پذیرفته است. در شعر سپیده می‌توان نشانه‌هایی از حضور شاعران گذشته و معاصر فارسی را دید که گاه مستقیم و گاه غیرمستقیم از آن‌ها سخن می‌گوید؛ چنان‌که در بعضی موارد اشعار آن‌ها را استقبال و گاه تضمین می‌کند یا مضامین و تصاویر شعری سپیده اشعار ایشان را به خاطر می‌آورد، گاهی نیز از آن‌ها سخن می‌گوید و برای آن‌ها مرثیه می‌سراید. تا جایی که می‌توان گفت توجه به نکته‌های اخلاقی و باورهای دینی همراه با زبان سلیس و روان و بی‌تکلف در شعر سپیده نشانگر علاقه و توجه وی به «سعدی» است. سپیده، سعدی را «سلیمان سریر شعر» می‌نامد و از او می‌خواهد همان طور که در منقبت حضرت رسول(ص) قصیده‌ای سروده،^۴ در منقبت چهارده معصوم(ع) نیز شعر «چارده خورشید» را بسراید:

سر کن سرود چارده خورشید
سر کن سخن زان مظهر لولاک
برگیر جام از باده وحدت
تا پرکنی از خاک بر افلاک
(۱۶۴)

تحلیل محتوایی
و ساختاری اشعار
سپیده کاشانی



•
•
•
•
•
•
•

یا در جایی دیگر از او می‌خواهد کتاب گلستان دیگری بنویسد:

سعدی گلستانی دگر آور با برگ برگی از شقایق‌ها
هر واژه‌اش سرزنده چون آتش هر بیت دستانی هزار آوا
(۱۶۴)

اشارات عرفانی سپیده به عالم هستی، تجربه‌های عرفانی موجود در شعر «حافظ» را به یاد می‌آورد؛ چنان‌که خود می‌گوید:

هنوز اشراق حافظ می‌وزد بر شعر من زیرا به هر سطر کتاب عشق ما صد دانه می‌ریزد
(۴۹)

یا در بیتی دیگر خطاب به حافظ می‌گوید:

کیستی ای حافظ پیمان‌نوش کیستی ای همچو چنگ اندر خروش
(۱۸۳-۱۸۸)

یا غزل حافظ با مطلع «خیز تا خرقه صوفی به خرابات بریم/ شطح و طامات به بازار خرافات بریم» (حافظ، ۱۳۷۲: ۲۹۶-۲۹۷) را تضمین می‌کند:

پر غبار از سر کویش به مباحثات بریم گوهر جان به سراپرده آیات بریم
تا ز دل زنگ ملال آور آفات بریم «خیز تا خرقه صوفی به خرابات بریم
شطح و طامات به بازار خرافات بریم...»

(۸۸-۹۰)

و در جای دیگر مصرعی از غزل خواجه را تضمین می‌کند:

«هاتفی از گوشه میخانه دوش» گفت بخشندت گنه، جامی بنوش
(۱۸۶)

همچنین سپیده، غزلی از «جامی» با مطلع ذیل را نیز تضمین می‌کند که نشان‌دهنده تسلط وی بر ادبیات کلاسیک است: به کعبه رفتم و آنجا هوای کوی تو کردم/ جمال کعبه تماشا به یاد روی تو کردم (جامی، ۱۳۹۴: ۲۳۹).

به پای عشق دویدم سفر به سوی تو کردم به کعبه ساغر جان پر می از سبوی تو کردم
درون خلوت دل با تو گفتگوی تو کردم «به کعبه رفتم و آنجا هوای کوی تو کردم
جمال کعبه تماشا به یاد روی تو کردم...»

(۸۱-۸۲)

همعصری سپیده با شهریار و اشتراک مبانی فکری، عقیدتی و سیاسی آن‌ها موجب شده شهریار تأثیر عمیقی بر شعر و شعور سپیده بگذارد تا جایی که سپیده در سال ۱۳۶۳ خود رسماً به دیدار شهریار رفت و بعد از فوت او در رثای وی اشعاری سرود؛ از این جمله است:

در ملک ادب تو شهریار سخنی هرگز نسزد ستایدت همچو منی
هشتاد شد و به هفت اقلیم سخن ای پیر هنوز عنادلیب چمنی
(۱۹۷)

هلا ای عنادلیب گلشن حافظ پریشان کرده‌ای مجموع مشتاقان خداحافظ...
تو بودی شهریار کشور شعر و ادب اما به هم پیچید طومار تو را توفان، خداحافظ
غزالان غزل را خوش به بند آورده‌ای، آری تویی ای حافظ تبریز، جاویدان! خداحافظ
(۷۷ و ۷۸)

همچنین سپیده غزل «علی ای همای رحمت» (نک: شهریار، ۱۳۹۱: غزل ۲) را در غزلی با عنوان «گل مکتب علی» با مطلع ذیل تضمین کرده است: چو کتاب گل گشودند و ز شاخه برگ سرزد/ چو سپیده دم شکفت و چو پرنده، بال و پر زد (۵۰).

شعر سپیده و اقبال لاهوری نیز از نظر موازین شعری همسطح و درحد متعارف است، اشعار هر دو شاعر روحیهٔ سلحشوری و دلیری، حرکت به سوی آگاهی و بیداری را به مخاطب خود القا می‌کنند. بین اشعار سپیده و اقبال نوعی ارتباط فکری و کلامی برقرار است^۵ و هر دو به نشر و توسعهٔ فرهنگ اسلامی در جامعه می‌پردازد (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، هنر، ۱۳۶۹: ش ۱۹).

سپیده در غزلی به نام «چراغ لاله» که از غزل اقبال لاهوری با مطلع «چون چراغ لاله سوزم در بیابان شما/ ای جوانان عجم جان من و جان شما» (اقبال لاهوری، ۱۳۹۳: ۵۷) گرفته شده، مرثیه‌گونه‌ای در رثای اقبال لاهوری می‌سراید و اقبال را عارفانه‌سرایایی مایهٔ سربلندی لاهور می‌شمارد:

سرفراز از توس لاهور ای بلنداقبال ما کاین چنین شد مرکب اقلیم عرفان رام تو
(۱۰۸)

سپیده شعر اقبال را چون حافظ می‌شمارد و می‌گوید:

حافظ از شهد سخن، چون قند تا بنگال برد^۶ این زمان ایرانیان نوشند شهد از جام تو
(همان‌جا)

تحلیل محتوایی
و ساختاری اشعار
سپیده کاشانی



و در پایان غزل با توسل به فنّ تجرید می‌گوید:

هان سپیده شرح غم با پیر لاهوری مگوی غم مخور، فجر آفرین شد لاله‌گون ایام تو
آه ای علامه! ای اقبال، ای مرد سخن شد معطر مُلک عرفان از شمیم نام تو
(همان: ۱۰۹)

سپیده در غزلی دیگر غزل سیمین بهبهانی با مطلع «ستاره دیده فرویست و آرمد بیا/ شرابِ
نور به رگهای ما دمید بیا» (بهبهانی، ۱۳۹۸: ۲۹۴) را استقبال می‌کند و غزلی با مطلع ذیل
می‌سراید:

نسیم نور ز اقصای شب وزید بیا شب گلایه به شام دگر کشید، بیا
(۲۷)

که در بیت «به وزن قامت سیمینت ای ستاره خواب/ ز باغ خاطر من این غزل دمید بیا» (همان:
۲۸) خود به این موضوع اشاره می‌کند.

سپیده در غزل دیگری این مصراع از غزل صائب را که می‌گوید: «نه هر چشمی تواند خط
سبز عشق را خواندن/ به چشم داغ سودا بید مجنون را تماشا کن» (صائب تبریزی، ۱۳۹۱: غزل
۶۲۲۰) تضمین می‌کند و می‌سراید:

«نه هر چشمی تواند خط سبز عشق را خواندن» تو ای آن راز کرده نقش بر دیوان! خداحافظ
(۷۷)

همچنین او در غزلی دیگر، بیت «عجز را مهر به لب زن چو بلا نازل شد/ به کمان، تیر قضا
بازنگردد هرگز» (صائب تبریزی، ۱۳۹۱: غزل ۴۷۷۹) را تضمین کرده و سروده است:
«به کمان، تیر قضا بازنگردد هرگز» آری، این سلسله، بندی است که برپاست هنوز
(۷۳)

که البته این بیت یادآور بیتی از پروین اعتصامی نیز هست که می‌گوید:

ز کمان قَلدر آن تیر که بگریزد کُشدت گرچه سراپای شوی رویین
(اعتصامی، ۱۳۹۱: قصیده ۳۵)

همچنین سپیده مصراعی از شعر سهیل محمودی درباره حضرت قاسم بن الحسن (ع)^۷ را
تضمین کرده است:

در سفر باد و گل، مرغ سحرگاه گفت: «برگ گل سرخ را باد کجا می‌برد؟»
(۲۴۲)

سپیده از نظر انتخاب واژگان، تصاویر شعری و بیان احساسات به شاعر معاصر خود، فروغ فرخزاد، بسیار شباهت دارد (حسین زاده، ۱۳۸۷: ۸۸)؛ برای نمونه شعر

مبادا پیش پای خود ببینی ز شاخی میوه‌ای مسموم چینی
صدف جز از دل دریا نگیری که گوهر نیست در جوی حقیری
بسی باید در این ره رنج بردن گهی زنده شدن، گه جان سپردن
پرنده باش و بگذر از سر موج رها کن خویش را تا قله اوج

(کاشانی، ۱۳۵۲: ۱۳۱)

که یادآور این شعر فروغ فرخزاد است: «هیچ صیادی در جوی حقیری که به گودالی می‌ریزد/ مرواریدی صید نخواهد کرد» (فرخزاد، ۱۳۸۱: ۳۱۶). سپیده در شعر خود دقیقاً همان پیام و مفهومی را که فروغ در شعر خود القا می‌کند با همان سادگی و روانی زبان و دوری از تکلف بیان می‌کند.

یا این اشعار سپیده: «من به شهری رفتم/ که برودت بر دروازه آن خیر مقدم می‌گفت/ که در آن ساعت سال هیجده بار نواخت» (۴۳۸)، عبارات «زمان گذشت/ زمان گذشت و ساعت چهار بار نواخت» (فرخزاد، ۱۳۸۱: ۳۰۱) در شعر «درآستانه فصلی سرد» از فروغ فرخزاد را به خاطر می‌آورد.

شعر «شهر من» از سپیده کاشانی از نظر محتوا، واژه‌ها و تصاویر شعری به شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» فروغ شباهت بسیار دارد؛ زیرا در هر دو شعر، سخن از جدایی است و مرور حسرت‌آمیز زندگی پیشین و به‌ویژه شادی‌های ازدست‌رفته کودکی. سپیده در این شعر به‌واسطه ازدواج از زادگاهش، کاشان، با مردمانی کویری و صمیمی و مکان‌هایی آشنا جدا می‌شود و در تهران که برای او ناشناخته است، ساکن می‌شود و از این‌رو لب به شکایت می‌گشاید؛ چنان‌که فروغ نیز در این شعر پس از جدایی از پرویز شاپور و سفر به اروپا و آشنایی با ابراهیم گلستان و همکاری با او در واقع با مرور زندگی خویش و حوادثی که بر او گذشته است، احساس شکست می‌کند و در آستانه فصلی سرد را می‌سراید.

شعر «سقوط عشق» سپیده که با مصراع‌های «آه ای جنگل!/ ما برودت را پذیرفتیم» (۳۸۶-۳۸۹) آغاز می‌شود، نیز از نظر مضمون و حتی واژگان و تصاویر به شعر ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد فروغ شباهت دارد. سپیده در این شعر از فضای زمانه خود که با روزگار پیشین متفاوت شده و در نتیجه آن، انسان‌ها نیز رسالت خود را فراموش کرده‌اند و همواره در حال ستیز با خویش‌اند؛ هرچند به شکلی تصنع‌آمیز خود را موفق و راضی نشان می‌دهند، شکایت می‌کند و علت تمام این‌ها را افکار آلوده انسان‌ها می‌داند، نه روزگار؛ چون می‌گوید: «آه ای

دیوار! ای جنگل! لحظه‌ها پاک‌اند و معصوم‌اند/ دست‌ها آن را می‌آلایند (۳۸۹) و در پایان علت آن را نابودی عشق می‌داند و می‌گوید: «ما سقوط عشق را دیدیم/ مرگ سرخی بود» (۳۸۸) و عبارتی نظیر «اینک این ماییم/ پنجره‌ها بگشاده بر این تیره مجهول...» (۳۸۸)؛ «و این منم/ زنی تنها/ در آستانه فصلی سرد/ در ابتدای درک هستی آلوده زمین/ و یأس ساده و غمناک آسمان/ و ناتوانی این دست‌های سیمانی» و «راستی آیا کدامین تسلیت را/ با که باید گفت/ در چنین فصلی که اندوه است/ پیغامش» (۳۸۸) از سپیده کاشانی یادآور این مصراع‌های فروغ است: «به مادرم گفتم: دیگر تمام شد/ گفتم: همیشه پیش از آنکه فکر کنی اتفاق می‌افتد/ باید برای روزنامه تسلیتی بفرستیم» (فرخزاد، ۱۳۸۱: ۳۰۸).

بعضی از مضامین شعری سپیده به‌ویژه در اشعار سپید وی، یادآور اشعار سهراب سپهری است؛ برای مثال سپیده شعری با عنوان «کجاست خانه دوست» دارد که از نظر محتوا با شعر معروف «نشانی»^۴ سهراب سپهری شباهت بسیار با همدیگر دارند: من از شکاف زمان/ ز فصل‌های عقیم/ ز امتداد شبان بلند بی‌انجام/ ز خاطرات کسل در میان دفتر یاد، ز آفتاب ز باد؟ ز دانه دانه گل‌های باغ پرسیدم:/ کجاست خانه دوست (۳۶۳). سپیده همچنین در شعری با عنوان «شاخه گلی برای پروین»، به مرثیه‌سرایی برای پروین اعتصامی می‌پردازد:

ای گل سرخ، چه عطرآگینی آشنا چون سخن پروینی
مگر از تربت او سر زده‌ای که فرو بسته لبی، غمگینی
آن سخندان، سخنش شیرین بود «اختر برج ادب» پروین بود

(۳۴۵ و ۳۴۶)

یادکرد نام شاعران مقاومت دیگر کشورها نیز در شعر سپیده دیده می‌شود؛ چنان‌که در یکی از اشعار نیمایی که درباره مردم لبنان و شهیدان آن سرزمین سروده از «غادة السمان» شاعر لبنانی یاد می‌کند و می‌گوید: یک قرن تسلیت بر «غادة السمان»‌های دیار تو (۴۷۱). این تضمین‌های کامل، تک‌بیتی یا تک‌مصراع‌ی از شاعران پیشین و معاصر در شعر سپیده کاشانی به‌خصوص تضمین مصراع‌ی از صائب، سهیل محمودی و غزل کامل جامی از یک‌سو نشان‌دهنده ارادت سپیده به شاعران فارسی‌سراست و از سوی دیگر، مطالعه و دانش ادبی او را اثبات می‌کند.

۴. نتیجه‌گیری

سپیده کاشانی از شاعران معاصر است که قبل از انقلاب در قالب اشعار روشنگر خود به

اعتراض علیه رژیم پهلوی پرداخت و پس از انقلاب و به‌ویژه آغاز جنگ برای انعکاس واقعیت‌های جنگ و جامعه و تقویت روحیهٔ رزمندگان و برانگیختن حس شهامت و شهادت‌طلبی مردم ایران، اشعار بسیاری سرود که حتی تعدادی از آن‌ها به‌عنوان سرودهای انقلابی از صداوسیما پخش می‌شد. بنابراین برای سرودن اشعار واقع‌گرای خویش که تمام مردم مخاطب آن بودند، شیوه‌ای مانند حماسه‌سرایان پیشین پیش‌گرفت.

سپیده در بیشتر قالب‌های شعر فارسی اعم از سنتی و معاصر طبع‌آزمایی کرده است. تنوع مضامین شعری نیز یکی از ویژگی‌های شعر سپیده است که هرچند در این میان مضامین ادب‌پاداری و شعر جنگ بسامد بیشتری دارد، درون‌مایه‌های اجتماعی، مذهبی و اخلاقی و حتی زنانه نیز در شعر سپیده ظهور قابل توجهی دارند که در این ویژگی از شاعران پیشین و معاصر خویش نیز اثرپذیرفته؛ چنان‌که از برخی از آن‌ها یاد کرده یا به استقبال و تضمین اشعار ایشان پرداخته است. سپیده در اشعارش زبانی ساده و روان، عاری از کلمات دشوار و پیچیده، اما در عین حال استوار و سنجیده برگزیده است. وی افزون بر به‌گزین کردن واژگان شعری خویش، به ترکیب‌سازی‌های بلاغی و دستوری که نشان‌دهندهٔ قدرت سخنوری اوست، نیز پرداخته است. جابه‌جایی‌های دستوری که موجب تعقید کلام و دشواری درک خواننده می‌شود در اشعار سپیده دیده نمی‌شود.

تصویرسازی‌های ادبی حاصل از فنون بیان و بدیع موجود در اشعار سپیده، بازتاب‌دهندهٔ هنر شاعری و تخیل قوی شاعر است. سپیده از بین فنون ادبی، شگردهای متناسب با مضمون و مخاطبان خویش مثل تشبیه و استعاره و گاه آرایه‌های لفظی مانند جناس، واج‌آرایی، تکرار و... استفاده می‌کرد. از بین گونه‌های اصلی استعاره، یعنی استعارهٔ مکنیه و مصرحه، استعارهٔ مکنیهٔ اضافی و غیراضافی در شعر سپیده، بیشترین بسامد را دارد که تقریباً نیمی از این استعاره‌های مکنیه وی از نوع جاندارانگاری یا تشخیص است. به‌کارگیری استعارهٔ مصرحه نیز در شعر سپیده بسامد قابل توجهی دارد. بعد از استعاره انواع تشبیه و سپس کنایه‌های از نوع ایما هم در شعر سپیده بسامد قابل توجهی دارند، درحالی‌که شاعر به کاربرد مجاز علاقهٔ چندانی نشان نداده است. سپیده برای ساخت تصاویر شعری خود بیشتر از عناصر طبیعت که با روحیهٔ زنانهٔ وی تناسب بیشتری دارند و بیشتر در دسترس مخاطب هستند و به فهم آسان‌تر وی از شعر شاعر و درک تصاویر وی کمک می‌کنند، استفاده کرده، همچنان‌که کنایه‌های زودیاب را که دست‌یافتنی‌ترند، به کار گرفته و از کاربرد کنایه‌های پیچیده و دیریاب خودداری کرده‌است؛ آن‌هم

به این دلیل که وی به مقتضای ادب پایداری کوشش کرده با سبکی زیبا و دلنشین و در عین حال صادقانه به تبیین وقایع بپردازد و افزون بر بیان احساسات پاک خویش نسبت به وطن و رزمندگان جان‌برکف، برای تقویت روحیه گام برداشتن در مسیر شهامت و شهادت و پاسداری از وطن در مخاطبان خویش انگیزه ایجاد کند؛ پس باید زبان، تصاویر و آرایه‌هایی را که به جذب و فهم مخاطب کمک کند برگزیند؛ زیرا به کارگیری صور خیال غامض و پیچیده مانع از انتقال عواطف و اندیشه‌های وی به آیندگان و بقای یاد شهدا و رشادت‌های ایشان در حافظه تاریخ می‌شد.

روی هم‌رفته می‌توان گفت سپیده کاشانی در کنار انتخاب مضامین ارزشمند پایداری، ملی، دینی و مذهبی و انعکاس سایر رویدادهای سیاسی، اجتماعی حاکم بر جامعه به کمک قوه خیال و خلاقیت شعری خود با کاربردهای متعدد صور خیال به زیبایی بیشتر اشعار خود افزوده است و کاربرد زبان ساده و روان و در عین حال استوار در کنار استفاده از دو ابزار تشبیه و استعاره‌های نه چندان دیرپاب که ظریف‌تر و خیال‌انگیزتر و در عین حال دست‌یافتنی هستند، هم مؤید هنر شاعری سپیده است که موجب پویایی و دلنشینی اشعار وی می‌شود و هم نشان‌دهنده هدف اصلی او، یعنی تقویت روحیه وطن‌دوستی برای حفظ میهن است.

پی‌نوشت‌ها

۱. چون پژوهش‌های اندکی که درباره شعر سپیده انجام شده، در بیشتر موارد فقط غزل‌های شاعر را در بر می‌گیرد و به اشعار شاعر در دیگر قالب‌های شعری اعم از قصیده، مثنوی، چارپاره، رباعی، نیمایی و سپید چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند.
۲. از این پس برای رعایت اختصار در مواردی که اشعار سپیده از کتاب مجموعه آثار وی که در سال ۱۳۸۹ چاپ شده است نقل شود، فقط به ذکر شماره صفحه از آن کتاب بسنده خواهد شد.
۳. تأویل یا هرمنوتیک (Hermeneutics)، به‌منظور درک و فهم متون در نقد ادبی نوین به کار گرفته می‌شود. پیروان این نظریه چندان در قید شناسایی نویسنده، تأملات درونی و گذشته او نیستند. واژه هرمنوتیک، برگرفته از واژه هرمنیون (Hermeneuein) یونانی است، که معنای تفسیر از آن استنباط می‌شود. در هر حال هرمنوتیک در پی آن است که متن را به شیوه‌ای متفاوت، تفسیر کند. مطرح شدن عدم قطعیت در معنا و ایجاد شک و شبهه در اینکه در متون ادبی یک معنای مشخص و معین وجود دارد. همچنین، اینکه هر فرد، با توجه به آرا و آموزه‌های شخصی خود می‌تواند به معانی متفاوتی دست یازد، در این حوزه و بدین شیوه نقد، قابل حصول است. پیروان نقد هرمنوتیکی نوین، همواره به عدم امکان دستیابی قطعی منتقدان به اطلاعات و اندوخته‌های ضروری درباره متون خلق‌شده در گذشته اشاره می‌کنند و بر این باورند که باید

مقولهٔ زمان را در درک و فهم آثار کلاسیک در نظر داشت؛ و هر فرد، به‌طور جداگانه، این‌گونه متون را به مقتضای دوران و زمانی که به آن تعلق دارد، تأویل و ارزیابی می‌کند. شلایر ماخر و دیگر پیروان هرمنوتیک سنتی مانند نظریه‌پردازان کلاسیک، به قطعیت کلام و اندیشه خالق اثر پایبند بودند و بر این اصل پافشاری می‌کردند که درک مفهوم اصلی متن در گرو درک اندیشهٔ نویسنده است و اوست که تعیین‌کنندهٔ معنا در اثر است. در صورتی که هرمنوتیک نوین، از عدم قطعیت معانی سخن به میان می‌آورد و متغیر بودن ذهن انسان در درک مفاهیم را مطرح می‌کند و لاجرم چنین استنتاج می‌کند که مفاهیم نهفته در متون، ثابت و پایدار نیستند و به طرق مختلف در نوسان و تحول‌اند (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۸۲).

۴. ماه فرومانده از جمال محمد/ سرو نباشد به اعتدال محمد (سعدی، ۱۳۷۷: ۷۰۳).

۵. برای نمونه نک: ای غنچهٔ خوابیده چو نرگس نگران خیز/ کاشانهٔ ما رفت به تاراج غمان خیز (اقبال لاهوری، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

۶. یادآور غزل حافظ با مطلع ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود/ وین بحث با ثلاثهٔ غساله می‌رود...// شکرشکن شوند همه طوطیان هند/ زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود (حافظ، ۱۳۷۲: ۲۲۵).

۷. شعر سهیل محمودی با مطلع بر فرس تیزرو هر که تو را دید گفت/ برگ گل سرخ را باد کجا می‌برد (Hossein.kharrazi.net: https://18/12/1392).

۸ «خانهٔ دوست کجاست؟» در فلق بود که پرسید سوار/ آسمان مکتی کرد/ رهگذر شاخهٔ نوری که به لب داشت به تاریکی شن‌ها بخشید/ و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت: / نرسیده به درخت/ کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است/ و در آن عشق به اندازهٔ پره‌های صداقت آبی است/ می‌روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ، سر به در می‌آرد/ پس به سمت گل تنهایی می‌پیچی/ دو قدم مانده به گل/ پای فوارهٔ جاوید اساطیر زمین می‌مانی/ و تو را ترسی شفاف فرا می‌گیرد/ در صمیمیت سیال فضا، خش خشی می‌شنوی: کودکی می‌بینی/ رفته از کاج بلندی بالا، جوجه بردارد از لایهٔ نور/ و از او می‌پرسی/ خانهٔ دوست کجاست (سپهری، ۱۳۸۵: ۲۲۰).

منابع

۱. اصلانی، محمدرضا، ۱۳۸۵، *لاله کویر*، تهران: سورهٔ مهر.
۲. اعتصامی، پروین، ۱۳۹۱، *دیوان اشعار*، مقدمهٔ ملک‌الشعراى بهار، ج ۷، تهران: نگاه.
۳. اقبال لاهوری، محمد، ۱۳۹۳، *کلیات اشعار*، با مقدمهٔ علی شریعتی و جاوید اقبال، تهران: مهراوید.
۴. امامی، نصرالله، ۱۳۸۵، *مبانی و روش‌های نقد ادبی*، ج ۳، تهران: جامی.
۵. ایگلتن، تری، ۱۳۸۰، *بیش‌درآمدی بر نظریهٔ ادبی*، ترجمهٔ عباس مخبر، تهران: مرکز.
۶. بالایی، کویی پرس و کریستف، میشل، ۱۳۸۷، *سرچشمه‌های داستان کوتاه*، ترجمهٔ احمد کریمی حکاک، تهران: پایپروس.
۷. بهبهانی، سیمین، ۱۳۹۸، *مجموعه اشعار*، تهران: نگاه.
۸. پارسی‌نژاد، کامران، ۱۳۸۵، «نقد ادبی به شیوه مکتب تاویل یا هرمنوتیک»، ماهنامهٔ *ادبیات داستانی* (۱۰۳): ۸۵-۸۲.
۹. پورنامداریان، تقی، ۱۳۸۰، *در سایهٔ آفتاب*، تهران: سخن.

تحلیل محتوایی

و ساختاری اشعار

سپیده کاشانی



•
•
•
•
•
•
•

۱۰. جامی، عبدالرحمن، ۱۳۹۴، *دیوان اشعار*، با اشراف محمد روشن، تهران: نگاه
۱۱. حافظ، شمس‌الدین محمد، ۱۳۷۲، *دیوان اشعار*، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، به کوشش ع. جریزه‌دار، تهران: اساطیر.
۱۲. حسین‌زاده بولاقی، شهربانو، ۱۳۸۷، *بررسی شعر بانوان در ادبیات معاصر*، شیراز: نوید.
۱۳. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۹۶، «درباره سپیده کاشانی»، هنر (۱۹).
۱۴. ساعدی، امان، ۱۳۸۹، «تحلیلی بر اشعار سپیده کاشانی»، *روزنامه ایران*، ۲۱ اردیبهشت، ص ۴.
۱۵. سپهری، سهراب، ۱۳۸۵، *شعر سهراب سپهری از آغاز تا امروز: شعرهای برگزیده*، با توضیح و مقدمه محمد حقوقی، تهران: نگاه.
۱۶. سعدی، مصلح بن عبدالله، ۱۳۷۷، *کلیات*، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: زوار
۱۷. سیدنژاد، میرصادق، ۱۳۸۳، «اختر برج ادب»، *گلبرگ* (۵۹): ۱۵۷.
۱۸. شهریار، محمدحسین، ۱۳۹۱، *دیوان اشعار*، تهران: نگاه
۱۹. صادق‌زاده، محمود، ۱۳۹۰، «تحلیل محتوایی و سبکی شعر سپیده کاشانی»، *مجله مطالعات نقد ادبی* (پژوهش‌های ادبی) (۲۲): ۶۸-۴۳.
۲۰. صائب تبریزی، محمدعلی، ۱۳۹۱، *کلیات اشعار*، به کوشش محمد قهرمان، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۱. طالقانی، محمود، ۱۳۸۱، *روش تحقیق نظری*، ج ۶، قم، دانشگاه پیام نور.
۲۲. عبادیان، محمود، ۱۳۷۲، *درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات*، تهران: آوای نور.
۲۳. غفاری، محسن، ۱۳۸۴، *بانوی پروانه‌ها*، کاشان: خاطرات قلم.
۲۴. فرخزاد، فروغ، ۱۳۸۱، *مجموعه اشعار*، به کوشش اعظم نوروزی، مشهد: نیکا.
۲۵. فولادوند، مرجان، ۱۳۷۳، «درآمدی بر سبک‌شناسی شعر جنگ»، *مجله شعر*، ۲ (۱۷): ۳۲.
۲۶. قاسمی، حسن، ۱۳۸۳، *صور خیال در شعر مقاومت*، تهران: فرهنگ گستر.
۲۷. کاشانی، سپیده، ۱۳۵۲، *پروانه‌های شب*، تهران: پدیده.
۲۸. _____، ۱۳۸۹، *مجموعه آثار*، تهران: قلم ایران.
۲۹. کاکایی، عبدالجبار، ۱۳۷۶، *آوازه‌های نسل سرخ*، تهران: عروج.
۳۰. گنجی، نرگس، ۱۳۸۷، «سرو باغ آشنایی»، *ماهنامه پیام زن* (۱۱): ۵۷.
۳۱. _____، ۱۳۸۸، «نگاهی به زندگی و شعر سپیده کاشانی به مناسبت سالگرد وفات شاعر»، *پیام زن*، ۱۲ (۲۰۳): ۱.
۳۲. مشفق کاشانی، عباس، ۱۳۸۶، «مصاحبه درباره سپیده کاشانی»، *کیهان فرهنگی*، شماره‌های ۲۴۶ و ۲۴۷.
۳۳. مدنی‌پور، شهریار، ۱۳۸۴، *کتاب ارواح شهرزاد (سازها و شگردها و فرم‌های داستان)*، تهران: ققنوس نو.
۳۴. نئوندورف، کیمبرلی ای، ۱۳۹۵، *راهنمای تحلیل محتوا*، ترجمه حامد بخشی و وجیهه جلائیان بخشنده، مشهد: جهاد دانشگاهی، «یادمان (اربعین سپیده کاشانی) ویژه‌نامه غروب سپیده»، (۱۳۷۱)، *روزنامه رسالت*، شماره ۲۰۷۹، ۲۵ اسفندماه.